



برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم .

■ قتل های ناموسی و خیزش زن زندگی آزادی

■ آزادی زندانیان سیاسی و توقف دستگیری ها،

شکنجه و اعدام از خواست های عاجل خیزش

انقلابی

■ در رابطه با تحركات اراذل سلطنت طلب در خارج

کشور علیه نیروهای چپ و آزادیخواه! - اطلاعیه

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

■ چه باید کرد ؟

■ تداوم خیزش سراسری به مقاومت کردستان گره

خورده است، کردستان را تنها نگذاریم

■ اطلاعیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو

■ کردستان از سنگرهای انقلاب است، یکپارچه از

سنگرهایمان دفاع کنیم! - فراخوان شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست به مردم آزادیخواه ایران

■ بمناسبت هفتاد و هفتمین سالگرد بخون کشیده

شدن جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

قتل های ناموسی و خیزش زن زندگی آزادی

در بحبوحه وارد شدن خیزش انقلابی زن زندگی آزادی به هشتمین روز خود و درست در آستانه ۱۶ آذر و فراخوان‌های متعدد برای حضور در خیابان‌ها و اعتصاب عمومی که از امروز آغاز شده است. خبر دردناکی می‌شنویم از هزاران اتفاق مشابه دیگر که شاید هرگز خیراش به‌گوش کسی نرسیده و نرسد. به گزارش خبرنگار روزنامه آفتاب یزد: روز یکشنبه ۱۳ آذر یک دختر ۱۷ ساله اهوازی جمعه‌شب گذشته به‌دلیل «موارد ناموسی» توسط پدرش با چاقو به قتل رسید: «جنازه این دختر جوان جلوی در خانه شیخ طایفه کشف شد: یک منبع آگاه اظهار داشت ساعت ۲۰ غروب روز جمعه ۱۱ آذر مردی ۴۵ ساله اهل و ساکن کوی علوی اهواز با در دست داشتن یک چاقوی خون‌آلود خود را به یکی از کلانتری‌های این شهرستان معرفی کرد و بیان داشت فرزندم به نام معصومه که حدوداً ۱۷ ساله است را به دلیل مسائل ناموسی با سلاح سرد چاقو به قتل رساندم و در یک ملحفه پیچیدم و در منزل شیخ‌مان واقع در خیابان کردونی انداختم.»

خبری بسیار دردناک که تحت حاکمیت ارتجاع مذهبی هر روز در گوشه کنار کشور اتفاق می‌افتد. خبری که تنها گوشه‌ای از ستمگری بر زنان را نشان می‌دهد و خبری که در کنار هزاران مصیبت دیگر در نظام مذهبی مردسالار و سرمایه سالار جمهوری اسلامی گویای واضح علت پیشگامی زنان و ازجان گذشتگی و فداکاری آنها در صفوف اول اعتراضات اجتماعی زن- زندگی- آزادی درسه ماهه اخیر است. قیام زنانی که برای رهایی از جهنمی که در آن دختری ۱۷ ساله بدست پدر متعصب‌اش وارد آجین می‌شود و جسد او در مقابل درب شیخ مرتجع طایفه رها می‌شود تا به درجه غیرت و عبودیت مریداش پی ببرد، راه افتاده است. گفتنی است که سینا قلندری، خبرنگاری که قبلاً گزارشی از قتل یک کودک‌همسر توسط شوهر طلبه‌اش منتشر کرده بود و به همین دلیل به ۲۷ ماه حبس و دو سال ممنوعیت

از کار رسانه‌ای محکوم شده بود، با انتشار توئیتی گفته است: معصومه در کودکی با فشار خانواده ازدواج می‌کند و چند وقت پیش از دست شکنجه‌های شوهرش به خانه پدر پناه می‌برد: شوهر معصومه بی‌اساس و بدون هیچ مدرکی میان طایفه مدعی می‌شود معصومه به او خیانت کرده و پدر ۴۵ ساله این دختر وقتی از طرف طایفه‌اش در فشار قرار می‌گیرد، «برای حفظ آبرو با چاقو دخترش رو به قتل می‌رساند و جنازه‌اش را به نشانه داشتن غیرت می‌برد جلوی خانه شیخ طایفه می‌اندازد. شنیدن چنین اخبار دردناکی و مراجعه به آمارهای قتل‌های ناموسی، تجاوزات جنسی و محدودیت‌ها و تبعیض‌های بیشماری که در بسیاری از نقاط ایران بر زنان رواداشه می‌شود نشان‌دهنده این واقعیت است که علاوه بر مبارزه با حکومت مذهبی با ماندگاری و سخت جانی سنت‌های ارتجاعی مذهبی، مردسالار و زن ستیز در جامعه نیز باید تعیین تکلیف کرد. و خیزش انقلابی زن زندگی آزادی در مبارزه برعلیه تبعیضات جنسی و جنسیتی ناچار است در چندین جبهه بجنگد. مبارزه با مردسالاری و کهنه پرستی و انواع تبعیضات جنسی و جنسیتی در جامعه و محل کار و زیست و هم‌زمان مبارزه با نظام ارتجاعی و مذهبی حاکم که مروج و مشوق و حامی سنت‌های ارتجاعی زن ستیز و خود اعمال کننده چنین تبعیضات ضد بشری در جامعه است. در این مبارزه که با فدا کردن جان‌های بسیار تاکنون تداوم داشته است می‌تواند و می‌باید با مبارزه علیه ستم طبقاتی و ملی تلفیق یافته و همچون پرچمی در دست زنان، کارگران و ملیت‌های تحت ستم و استثمار به حیات نظام ارتجاعی و زن ستیز حاکم پایان دهد و هم با ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور مبتنی بر خود حکومتی از طریق شوراهای و سایر ارگان‌های توده‌ای سرنوشت خویش رادر دست گیرند.

**مبارزه برای خواست‌های عمومی
دموکراتیک و پیش‌برد پیگیر و
رادیکال آن، از مبارزات طبقه کارگر
برای آزادی و برابری جدائی‌ناپذیر
است، به این منظور طبقه کارگر
می‌باید ضمن حفظ استقلال طبقاتی
خود به سازماندهی خواست‌های
عمومی، دموکراتیک در سطح
وسیع‌تری اقدام کند و به‌سهم خود
در جهت وحدت بخشیدن به این
مبارزات در اشکال خاص خود،
نظیر جبهه مبارزه برای آزادی‌های
دموکراتیک و اتحاد عمل‌های مقطعی
و سازماندهی نشریات و تشکل‌های
دموکراتیک کوشش کند.**

آزادی زندانیان سیاسی و توقف دستگیری‌ها، شکنجه و اعدام از خواست‌های عاجل خیزش انقلابی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بر آن است که تحقق خواست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توده‌های زحمتکش مردم از جمله معلمان کشور، جز از طریق اتحاد صفوف مبارزاتی آنها در برابر نظام حاکم و مافیای قدرت و ثروت میسر نمی‌باشد. تلاش برای ایجاد ارگان‌های صنفی، سیاسی و طبقاتی و کانون‌ها و محافل مبارزاتی، هسته‌ها و کمیته‌های کارخانه، شوراهای محلات، مدارس و مراکز آموزشی و غیره یک وجه از ملزومات اتحاد و یکپارچگی و متحد شدن است و اتحاد این تشکل‌ها در جبهه‌ای انقلابی و سراسری برای سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم و برقراری ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراهای محل کار و زیست و معلمان، کارگران و زحمتکشان بخوبی می‌دانند که پیوند مبارزاتی زیر چتر جبهه‌ای انقلابی و نیرومند از ضروریات فوری گسترش مبارزه و تحقق خواست‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محسوب می‌شود. امید به پیروز را با تلاش در جهت ایجاد تشکل‌های مخفی و علنی و سازماندهی جبهه‌ای انقلابی و مشترک پیوند بزنیم.

ما همه زنان و مردان مبارز، خانواده‌ها، دانشجویان و کارگران و زحمتکشان و بویژه جوانان را فرا می‌خوانیم که ضمن تداوم مبارزه با تمام توان در سطح داخلی و بین‌المللی درباره اقدامات وحشیانه و انسان‌ستیزانه رژیم و خطر اعدام و سر به نیست کردن زندانیان سیاسی به افشاگری و مقابله بپردازند. در محل کار و زیست، و در اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات خود بموازات طرح شعارهای محوری، خواستار توقف صدور احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی بشویم.

آزادی زندانیان سیاسی و توقف صدور احکام اعدام جزئی جدائی ناپذیر از خواست‌های جنبش انقلابی در راه رهائی از ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری است. بدون شک با اتحاد و تشدید مبارزه در داخل و خارج کشور می‌توان به سیاست سرکوبگرانه و ددمنشانه رژیم مهارزده و در تداوم مبارزه به حیات مستاصل آن نیز پایان داد.

گرامی باد یاد محسن شکاری و همه جانب‌اختگان راه آزادی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۷ آذر ۱۴۰۱

جمهوری اسلامی محسن شکاری جوان ۲۳ ساله، نان آور خانواده و مبارز راه آزادی و رهائی و یکی از دستگیرشدگان اعتراضات اخیر را اعدام کرد. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در هراس از تداوم خیزش انقلابی و گسترش اعتراضات توده‌ای، سیاست سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه را تشدید کرده است. تا به امروز صدها تن از معترضین بشمول ده‌ها کودک و نوجوان بدست دژخیمان رژیم به قتل رسیده‌اند. هزاران نفر دستگیر شده‌اند و صدها نفر مفقودالثر اعلام شده است. علاوه بر اعدام‌های مخفیانه و کشتارهای زیر شکنجه در زندان‌ها، اکنون رژیم علناً شروع به صدور و اجرای احکام اعدام و زندان‌های طولیل‌مدت برای محبوسین کرده است.

آزادی زندانیان سیاسی و توقف دستگیری‌ها و شکنجه و اعدام از شعارها و خواست‌های اولیه تمام خیزش‌ها و انقلابات و اعتراضات اجتماعی در جهان بوده است چرا که در هر اعتراض اجتماعی و قیامی که بر علیه طبقه حاکم و یا ساختارهای سیاسی مستبد براف میافتد، علاوه بر زندانیان سیاسی قبلی، دستگیری‌های وسیع‌الفعالین و شرکت‌کنندگان در اعتراضات، زندان و شکنجه و اعدام نیز توسط حکومتگران تشدید می‌شود. اکنون که در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در ایران، سردمداران رژیم شمشیر از رو بسته و برای حفظ قدرت و ثروت خود به هر جنایتی دست می‌زنند، جان زندانیان سیاسی در خطر حتمی قرار گرفته است و خواست توقف سرکوب، دستگیری و اعدام و آزادی زندانیان سیاسی در مبارزات جاری ضرورتی دوچندان یافته است.

در رابطه با تحرکات اراذل سلطنت طلب در خارج کشور علیه نیروهای چپ و آزادیخواه! - اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

بی آبروو منزوی کنیم. این جریان‌ها به پشتیبانی دول غربی، ظرفیت بیش از این را دارند. ما باید جلو تحرکات ضد مردمی آنان را سد کنیم. این جریان‌ها فاشیستی و ضد مردمی، نباید در فردای ایران بعد از سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی جایگاهی در میان مردم داشته باشند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

مرگ بر ستمگر؛ چه شاه باشه چه رهبر!

زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

چهارشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۱ - ۷ دسامبر ۲۰۲۲

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

از اوباش عملشان بخاطر شعار "مرگ بر ستمگرچه شاه باشد چه رهبر" بوده. با آغاز خیزش انقلابی در ایران با عبور از کلیت رژیم اسلامی و پایان توهم نسبت به حاکمان مستبد و ضد بشر، مردم مبارز و انقلابی با طرح شعارهای رادیکال از جمله "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر" عملاً دست رد به سینه جریان‌ها و بورژوا از جمله سلطنت طلب

زده اند و دیگری خواهند بعد از ۴۳ سال فقر و فلاکت و آزادی کشتی توسط یک حکومت فاشیستی اسلامی به بخش دیگری از بورژوازی با هر نام و نشانی از جمله سلطنت تن بدهند. مردم ایران خواهان آزادی و برابری و رفاه و خلاصی از ستم و تبعیض و استثمار هستند. به همین دلیل است که جماعت سلطنت طلب به هر شیوه منحنی دست میزنند تا با

نشان دادن پرچم شیر نر و شمشیر اسلام و بواسطه بازماندگی قلابی آن در ابر رسانه های مدافع سرمایه داری؛ تظاهراتی را که دیگران سازماندهی کرده اند؛ صادره کنند. آنان همچنین به این علت که در تظاهرات و اعتراضات جامعه کوچکترین نشانی از شعارهای طرفداران سلطنت نیست؛ همانند مار زخمی شده و به همه مخالفین خود دیوانه وار تهاجم میکنند.

ما از تمام نیروهای آزادیخواه و برابری طلب می خواهیم که اجازه ندهند فضای خارج کشور توسط اوباشان آلوده شود. باید در مقابل تحرکات سخیف و فاشیستی آنان واکنش نشان دهیم و آنان را افشا،

از زمان شروع تظاهرات در خارج کشور در حمایت از خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی، بارها شاهد تعرض لمپن ها و آتش بیاران سلطنت، به تظاهرات نیروهای چپ و آزادیخواه بوده ایم. آنها مخالفین سیاسی خود را با زبان رکیک و زن ستیزانه و حتی فیزیکی مورد تعرض قرار می دهند.

آخرین مورد آن روز شنبه سوم دسامبر با برنامه قبلی به آکسیون علیه اعدام "شورای حمایت از مبارزات مردم ایران" در شهر کلن آلمان تعرض کردند و با توهین و دشنام های رکیک و زن ستیزانه علیه یکی از فعالین زن شورا و حمله فیزیکی به یک فعال دیگر و آسیب رساندن به او، سعی در بهم زدن آکسیون کردند.

پیش از این نیز همین افراد شناخته شده در شهرکلن آلمان در آکسیون که از طرف شهرداری کلن در حمایت از مبارزات مردم ایران برگزار شد، مانع سخنرانی یکی از فعالین سیاسی شدند.

در ترافالگار لندن به استیج آکسیون چپ ها حمله کردند، در استکهلم نیز چنین مزاحمت هایی را از خود نشان داده اند. همه این موارد بطور روشن از جانب طرفداران دو آتشه رضا پهلوی صورت گرفته و قصد دارند که با این تحرکات فاشیستی فضای سیاسی خارج کشور را آلوده و در مقابل اپوزسیون چپ و آزادیخواه بایستند و مانع فعالیت آنها شوند. بنابراین بزرگترین مانع فعالیت آنها شوند.

چه باید کرد؟

کور (هرچند در مواردی با ارزش اما محدود از نظر گستردگی جغرافیایی و تعدد) به رژیم وارد آورد. تحصن‌ها و تجمعات نیز به دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان و سایر اقشار ختم شد. اما برنامه ریزی برای تحرکات، اعتصابات، مبارزات و تجمعات گسترده و موثر بدون شک نیازمند رهبری است. رهبری میتواند کاملا مردمی باشد و منظور از رهبری وجود یک شخص برای هدایت تمام حرکات انقلاب نیست، اما قطعاً باید نیروها، کادرها، کمیته‌ها و یا گروه‌هایی وجود داشته باشند تا لیدری تجمعات، طرح ریزی تهاجمات، زمانبندی اعتصابات و شکل دهی به خیزش‌های موجود را هدایت کرده و به تاثیر مضاعف و چند برابری آن کمک کنند. نبود رهبری و کمیته‌هایی که به خیزش‌های انقلابی سر و سامان دهد موجب افزایش چشمگیر تلفات، ضربات سهمگین به مردم، لو رفتن و دستگیری مفرط انقلابیون خواهد شد و این همان چیزی است که ما اکنون با آن مواجهیم! آمار بالای کشته شدگان، قربانیانی که بخشی از مال یا جانشان را از دست داده اند، خانواده‌های داغدار، جوانانی که در زندانهای مخوف رژیم در حال شکنجه اند، دانشجویانی که از دانشگاه و شاغلینی که از شغلهایشان اخراج شده اند، کودکانی که پدر یا مادرشان و والدینی که کودکان را از دست داده اند و بسیاری دیگر از خسارات گوناگون که گریبان مردم را گرفته است.

زدن و... همه مفید و موثر است اما باید گفت اولاً این موارد کافی نیست و ثانیاً این‌ها هیچکدام در بهترین و موثرترین حالت خود اتفاق نیافتاده است. قطعاً در این مدت تجمعات توده‌ای در سراسر کشور بسیار گسترده و وسیع بوده، اما واقعیت این است، تجمعات توده‌ای هرچقدر هم گسترده باشد به تنهایی نمیتواند منجر به سرنگونی رژیمی تا دندان مسلح شود. شهرهای ایران همه میلیتاریزه شده و کاملاً در وضعی نظامی به سر می‌برند، از این رو نیروهای رژیم در بالاترین حالت آمادگی قرار داشته و توان سرکوب و خفه کردن اعتراضات را بخصوص اگر دور از خشونت باشد دارند. ضمن آنکه همین تجمعات هرچند در موارد زیادی گسترده و میلیونی بوده است اما چون برنامه‌ی مشخصی برای تکرار و تداوم آن وجود نداشته بعد از چند روز به جزئی از تاریخ بدل شده و دیگر از آن خبری نشده. موارد دیگر نیز در وضعی بهتر از این به سر نمی‌برند، اعتصابات هرچند در چند مرحله اعلام شد و استقبال نسبتاً خوبی از جانب مردم نیز شکل گرفت اما باز هم نبود برنامه ریزی مشخص برای اعتصابات آینده توانست آنرا تداوم بخشیده و یا به سایر بخشها به جز بازاریان و برخی رانندگان گسترش یابد. مبارزات رادیکال و حرکات شبه نظامی نیز باز هم بدلیل نبود چارچوب مشخص، تجربه و برنامه ریزی تنها توانست خساراتی

حدود هشتاد روز از خیزش سراسری و انقلاب جاری ایران می‌گذرد، اما هنوز هم دیکتاتور و اعوان و انصارش روی کار هستند و به خوردن خون مردم، کشتن جوانان، متعفن ساختن جامعه و ساختن جهنم روی زمین مشغولند. ایراد کار کجاست؟ چرا علیرغم اعتراضات سراسری، اعتصابات گسترده، حمایت‌های بین‌المللی، فشارهای همه‌ی اقشار از دانش‌آموز و دانشجو گرفته تا کارگر و بازاری، از معلم و استاد گرفته تا روزنامه نگار و فیلم‌ساز، باز هم حکومت سرنگون نمی‌شود؟ چرا ساقط کردن دیکتاتوری جمهوری اسلامی اینقدر سخت تر از حد انتظار شد؟ کجای این مبارزه اشتباه و کدام حرکات کم یا اضافی بوده است؟ در این مقاله مهم‌ترین دلایل هنوز ساقط نشدن رژیم را با هم بررسی می‌کنیم. هیچ یک از مواردی که در مقدمه مطرح کردیم، مذموم یا اضافی نیست و قطعاً برای پیشبرد اهداف انقلابی در هر کشوری لازم است تمام آنها بخوبی اجرایی شود. اما شاید مهم‌ترین دلیل اینکه تمام اینها هنوز جواب نداده، لازم اما کافی نبودن آنها بوده است. اعتصابات هماهنگ کسبه، اعتراضات گسترده‌ی توده‌ای، تجمعات دانشجویی، هجوم به مراکز نظامی و شبه نظامی و انقلابی نگه داشتن فضای جامعه از طرق مختلف (شعارنویسی، پخش اعلامیه و شب‌نامه، عمامه پرانی، هشتگ

یکی از مهم ترین دلایلی که انقلاب جاری فاقد رهبری است، تعدد و متنوع بودن مردم معترض است، به گونه ای که از زن و مرد، جوان و پیر، کارگر و کارمند، کاسب و استاد دانشگاه، کم سواد و تحصیلکرده میتوان در میان توده های معترض کسانی را یافت. و همین موجب میشود مردم ناراضی هر یک گرایش فکری و سیاسی خاص خود را داشته باشند و هر یک تنها به درستی و صواب راه خود معتقد باشند و این کار را برای هدایت و رهبری گروههای مختلف سخت میکند. اما چاره چیست؟ آیا میتوانیم دست روی دست بگذاریم تا چند روز دیگر این خیزش نیز همچون تمام خیزشهای چهاردهه ی پیش شکست بخورد و باز هم ما بمانیم و کوله باری از اندوه و افسوس؟! آیا میتوانیم راحت بخوابیم زمانیکه میدانیم بسیاری در این لحظه در حال اذیت و آزار رفقای در بند ما هستند؟ آیا باید کار خیزش اخیر و انقلاب جاری را تمام شده بپنداریم و به سایر امور روزمره مان بپردازیم؟ قطعاً پاسخ هر انسان آزاده و وجدان پاکى به این پرسش یک نه بزرگ است. نه تنها نباید پا را پس کشیده و همه چیز را تمام شده بدانیم بلکه باید پر قدرت تر، مستحکم تر و از همه مهمتر با برنامه ریزی تر و متحد تر به نبردمان را تا سقوط کامل دیکتاتوری عمامه ادامه دهیم از این رو لازم و حیاتی است حالا و در زمانی که جبهه ی مرتجع راست در حال تجدید قوا و یارگیری برای آینده است اقداماتی خطیر و گرانمایه داشته باشیم.

ضروری است بعنوان نیروهای انقلابی چپ، این جبهه ی انقلابی را بیش از پیش تقویت کرده و از هیچ اقدامی برای این مهم فروکاست نکنیم. دعوت از تمام احزاب، سازمانها، گروهها و افراد چپ مترقی برای تشکیل صفی پرتوان، کارا و گسترده، اهتمام فزاینده به کار تبلیغاتی و نشر عقاید و اسلوب فکری مترقی سوسیالیستی به نحوی که هم موجبات آشنایی مردم با آرمانهای چپ را فراهم آورد و هم به

مقابله با تبلیغات منفی دو رژیم حال و سابق ایران علیه کمونیسم بپردازد، تشکیل کمیته های مسلح در نقاط گوناگون از سطح محلی تا ایالتی، برنامه ریزی برای حملات سازمان یافته، انواع عملیات ایذایی و نیز نبرد مسلحانه، ارتباط بیش از پیش و جدی تر از قبل با توده های مردم و بخصوص نسل جوان از روشهای گوناگون (برنامه سازی های تلویزیون ماهواره ای، نشر و توزیع اعلامیه، شب نامه و نشریه در میان توده ها، فعالیت مضاعف در فضای مجازی و...) و تلاش برای تقویت نیروهای مبارز در قالب کمیته های تشکیل شده مهم ترین مواردی است که میتواند به پیشبرد هرچه بهتر انقلاب ایران منجر شود. نکته ی مهم دیگری که باید حل و فصل شود از بین بردن این خوش خیالی ساده دلانه و کودکانه در جامعه است که عده ای (با جمعیتی بسیار!) گمان میکنند میتوانند با پخش کردن شکلات، برداشتن روسری در مترو، شعار دادن در کنسرت های خارج از کشور، گل دادن به نیروهای پلیس و کامنت گذاشتن زیر پستهای مختلف در فضای مجازی رژیم را سرنگون کرده و براحتی انقلاب کنند! این خیال پوچ نه تنها راه به جایی نمیرد بلکه به جامعه نوعی امید کاذب تزریق میکند که بقیه نیز به دنبال روشهای بدون خشونت و غیر رادیکال بروند و تردیدی نیست که نمیتوان با شکلات به جنگ شات گان و دوشکا رفت! حالا وقت آن رسیده خوش خیالی را کنار گذاشته و با نهایت توان که منوط به تشکیل جبهه ای کمونیستی و واحد است به نبردمان با دیکتاتوری مرتجع اسلامی ادامه دهیم تا پاره شدن زنجیر هایمان را در روز آزادی جشن بگیریم!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد آزادی!

طبقه کارگر ایران تنها طبقه قدرتمندی است که در صورت اتحاد و اعتصاب سراسری و پیوستن به جنبش انقلابی بعنوان یک طبقه اجتماعی هیچ قدرتی را یارای مقاومت در برابر آن نخواهد بود و این طبقه است که می تواند خیزش سراسری زنان و جوانان انقلابی را به پیروزی قطعی و سرانجام مطلوب اش برساند. امروز در جریان یک رو درروئی خونین و سرنوشت ساز با صاحبان قدرت و ثروت و حاکمان سرکوبگر و عاملان ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری هستیم که برای حفظ قدرت و ثروت به هر جنایتی دست می زنند، اعتصابات سراسری کارگران و پیوستن آنها به جنبش انقلابی نظام حاکم را به زباله دان تاریخ خواهد افکند. بادست زدن به اعتصابات و پیوستن به جنبش انقلابی زنان، جوانان، دانشجویان و سایر اقشار زحمتکش مردم، فرصت توطئه و تجدید قوا را از رژیم اسلامی درمانده و مزدوران آن گرفته و راه پیروزی نهائی را هموارسازید.

تداوم خیزش سراسری به مقاومت کردستان گره خورده است کردستان را تنها نگذاریم

خیزش انقلابی توده های زحمتکش مردم بایبشگامی زنان که سه ماه قبل از کردستان آغاز و در کوتاه مدتی سراسر ایران را در بر گرفت، برغم صدها کشته و هزارن مجروح و زندانی همچنان ادامه دارد. رژیم درمانده جمهوری اسلامی بقصد انتقام گیری از توده های مردم تحت ستم و استثمار کردستان و به خیال خود ترساندن و منکوب کردن مردم در سایر مناطق ایران، لشکر عظیمی از مسخ شدگان و خود فروختگان مسلح خود را روانه شهرهای این منطقه کرده است. نیروهای سرکوب با هجوم بی رحمانه به شهرهای مهاباد، سنندج، پاوه، سقز، بانه، دیواندره، کامیاران، اشنویه و جوانرود و مریوان و دیگر شهرها و آبادی های کردستان تا کنون مرتکب جنایات بی شماری شده اند، اما هنوز نتوانسته اند مقاومت جوانان و زحمتکشان را درهم بشکنند.

اینک تحقق آرزوهای خیزش سراسری به مقاومت و پایداری کردستان گره خورده است. اما پیروزی این مقاومت نیز درگرو تداوم همبستگی و گسترش اعتراضات و اعتصابات در سایرین قاط ایران است که تحقق این هر دو هدف به سازماندهی، سازماندهی و بازهم به سازماندهی نیاز دارد.

از طرفی خیزش انقلابی درحال اعتلای کنونی تا رسیدن به موقعیت انقلابی و اعتصاب عمومی و قیام پیروزمند سراسری راه درازی درپیش دارد. اما این بدین معنی نیست که هرمنطقه ای نظیر کردستان که بواسطه ستم های درهم تنیده جنسی، ملی، طبقاتی و زیست محیطی و سرکوب بی رحمانه توسط نظام حاکم، متحداً دست به قیام میزنند در یک توازن قوای مناسب نباید ویا نمی توانند از طریق ارگان های توده ای نظیر شوراهای منتخب خود قدرت را بدست گرفته و برسرنوشت خود حاکم شوند. ما کارگران و زحمتکشان ملل تحت ستم، باید بتوانیم حق تعیین سرنوشت خود را برغم دعاوی سرمایه سالاران و چپاولگران محلی و سراسری و دخالت دول امپریالیستی، بدست آوریم و اعمال بکنیم و در این راه باید نیروی متمرکز خود را برعلیه مافیای قدرت و ثروت حاکم و دولت مستبد مذهبی او سازمان بدهیم. در هربخش از کشور از جمله در کردستان هرگاه چنین موقعیت عینی برای اکثریت مردم کارگرو زحمتکش و جوانان بوجود آمد، باید ارگان های توده ای را سازمان داده و قدرت را بدست گرفته و از آزادی خود دفاع کنند.

اکنون کردستان درگیر جنگی نابرابر درعین حال سرنوشت ساز است. در جریان لشگرکشی دو سه روز گذشته بیش از چهل نفر ازجمله عده ای کودک جانباخته و صدها نفر زخمی و هزاران نفر دستگیر شده اند. خانه های مردم از هوا و زمین مورد حمله قرار گرفته و ویران شده اند. رژیم با اعزام انبوهی از لشگریان سرکوبگراش به کردستان قصد دارد مقاومت مردم کردستان را بخون نشانده واز این طریق خیزش انقلابی سراسر ایران را نیز سرکوب و متوقف کند. ما ازهمه کارگران، زحمتکشان و زنان و جوانان می خواهیم با گسترش اعتراضات و اعتصابات در سراسر ایران به مقاومت مردم کردستان و از این طریق به تداوم خیزش انقلابی یاری رسانند.

کردستان را تنها نگذارید.

پیروز باد مبارزات دلیرانه توده های زحمتکش کردستان و سراسر ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرارباد جمهوری فدراتیو شورائی
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست اول آذرماه ۱۴۰۱

اطلاعیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت فرارسیدن ۱۶ آذر ۱۴۰۱ روز دانشجو

جوانان و دانشجویان مبارز!

در آستانه ۱۶ آذر روز دانشجو قرار داریم. « روز دانشجو » سمبل مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در حافظه تاریخی توده‌های زحمتکش مردم ایران نقش بسته است. ۱۶ آذر یکی از جلوه‌های مبارزه توده‌های زحمتکش مردم ایران بویژه جوانان علیه استبداد و خودکامگی طبقه حاکم و امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی محسوب میشود. یادواره‌ای است از مبارزه برای آزادی و بدست گرفتن حق تعیین سرنوشت خویش، همچنین سمبلی است از مبارزه دانشجویان برای تحقق آزادی و سوسیالیسم و دنیائی عاری از ستم و استثمار و زور سرکوب، مبارزه‌ای که هم چنان ادامه دارد.

امسال در شرایطی به استقبال روز دانشجو میرویم که خیزش انقلابی با پیشگامی زنان و اعتراضات اجتماعی اقشار مختلف زحمتکشان که از ۲۶ شهریور با قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی و با شعار «زن-زندگی-آزادی-آغاز شد، همچنان ادامه دارد. در این خیزش توده‌ای، زن و مرد، از جوانان و نوجوانان تا سالمندان از کارگر و زحمتکش تا معلمان و استادان و هنرمندان، ملیت‌های مختلف تحت ستم و استثمار تا دگرباشان جنسی به اشکال مختلف شرکت داشته و دارند. این خیزش عظیم که دنیا را تحت تاثیر قرارداد و پشتیبانی افکار عمومی مترقی جهان را به همراه داشت، دانشجویان در خط مقدم جبهه نبرد برای رهایی از ستم و استثمار، زور و سرکوب و تبعیض‌های جنسی و جنسیتی قرار داشتند و با مقاومت بی نظیر خود و دادن شهدای بسیار و تحمل گلوله، ضرب و شتم و زندان و شکنجه نشان دادند که شایسته نام ادامه دهندگان جنبش انقلابی دانشجویی و وفادار به آرمان‌های انسانی

دستگیری و زندان ده ها دانشجو در دانشگاه های مختلف کشور زده است و نیروهای سرکوبگر خود را آشکارا در مقابل مردم به صف کرده، هزاران نفر از جوانان، نوجوانان و کودکان را دستگیر کرده است، صدها نفر را کشته و هزاران نفر با گلوله های جنگی و ساچمه ای زخمی شده‌اند و فرماندهان و کسانی که دست‌شان تا مرفق به خون جوانان مبارز و انسانهای آزادیخواه آغشته است را پشت میکروفون رادیو تلویزیون‌های دولتی میاورد تا فریبکارانه خواست‌های توده های مردم که همانا سرنگونی رژیم حاکم و کسب آزادی و بدست گرفتن سرنوشت خویش است را تحریف و به خواست‌های جزئی و صنفی تقلیل دهند. از سوی دیگر دولت‌های امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه نیز تلاش می‌کنند جنبش انقلابی مردم را از مسیر ضد استثماری و ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه آن منحرف و به نفع مطامع و منافع خود تغییر دهند. در چنین شرایطی وظیفه دانشجویان مبارز و پیشرو است که تلاش بکنند، چهره واقعی دوستان دروغین و دشمنان فریبکار در داخل و خارج را که جز منافع خود به چیز دیگری نمی اندیشند برملا کنند و با طرح شعار ها و مطالباتی نظیر شعار عمومی و سراسری سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی کار- مسکن- آزادی -، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی اندیشه و بیان و تشکل و تحزب و رفع تبعیضات جنسی و ملی و طبقاتی، زمینه مشارکت توده های کارگر و زحمتکش بیشتری را برای شرکت سازمانیافته و متحد در مبارزات جاری فراهم سازند. ما از همه دانشجویان، دانش آموزان و کارگران و مردم زحمتکش دعوت میکنیم از فراخوان‌های ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ آذر حمایت کنند و به صفوف جنبش انقلابی بپیوندند. و برای سرنگونی انقلابی نظام ارتجاعی حاکم و تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران مبتنی بر شوراها و ارگانهای مردمی در یک جبهه انقلابی متحد بشوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۳ آذرماه ۱۴۰۱

دانشجویانی هستند که در طول تاریخ و در پیکار علیه طبقات ارتجاعی حاکم و امپریالیست‌های پشتیبان آنها برای کسب آزادی و برابری جان فدا کرده اند.

دانشجویان مبارز و انقلابی!

مبارزات پیگیر شما در خیزش سه ماه اخیر دستاورد های غیرقابل ستاندنی را در برداشته است. از طرفی باوجود اینکه سرکوب بی رحمانه و مقاومت طبقه حاکم تاکنون مانع از آن بوده است تا این خیزش عظیم که تداوم مبارزات و خیزشهای انقلابی چندین ده ساله در کشورمان است به نتیجه قطعی برسد اما مبارزه همچنان ادامه دارد و می‌رود تا اقشار مختلفی از مردم با خواست ها و مطالبات خود به آن بپیوندند. اکنون در آستانه ۱۶ آذر ۱۴۰۱ ده‌ها فراخوان و اعلامیه از سوی دانشجویان دانشگاه ها و مدارس عالی از سوی تشکل‌های مختلف کارگری و فرهنگی و مردمی و کمیته‌ها و فعالین محلات و کارگران مختلف و رانندگان کامیون ها و غیره صادر شده است و دراین فراخوان ها ازعموم زحمتکشان و دانشجویان دعوت کرده اند تا در روزهای ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ آذر دست به اعتصاب و تظاهرات عمومی بزنند. ارتقاء سطح آگاهی، مطالبات و خواست‌های و شعارهای خیزش اخیر به آشکارترین وجهی نشان داد که توده های مردم ایران بویژه جوانان، طبقه حاکم و نظام اسلامی را نمی‌خواهند و دیگر نمی‌خواهند به قوانین ارتجاعی حاکم تمکین کرده و بار مصائب ناشی از تشدید استثمار و غارت و چپاول همراه با سرکوب و کشتار اقلیتی از مافیای قدرت و ثروت را بردوش بکشند .

رژیم در هراس از گسترش و رادیکالتر شدن همین حرکت‌ها است که دست به سرکوب و

کردستان از سنگرهای انقلاب است، یکپارچه از سنگرهایمان دفاع کنیم! - فراخوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مردم آزادیخواه ایران

جمهوری اسلامی در بیش از صد و پنجاه شهر و صدها محل و منطقه شهرهای ایران دست به جنایت زده است. اما در سیستان و بلوچستان و مشخصاً در زاهدان و خاش و در کردستان و بویژه در شهرهای سنندج و مهاباد و جوانرود و پیرانشهر، دست به قتل عام زده است. شلیک با دوشکا و گلوله جنگی به مردمی که نهایتاً سنگ در دست دارند، هدف بسیار مشخصی دارد. جمهوری اسلامی تلاش میکند با تحمیل جنگ به مردم و میلیتاریزه تر کردن کردستان، سرنوشت مبارزه سیاسی و انقلابی در کردستان را از کل ایران جدا کند و با به خون کشیدن کردستان سیر مبارزات انقلابی در ایران را به شکست بکشاند. اما مردم آزادیخواه در سراسر ایران با اطلاق "چشم و چراغ انقلاب" به کردستان و حمایت های خود به رژیم اسلامی پاسخ دادند.

جمهوری اسلامی در کردستان دست به جنایت جنگی زده است، نیزار جراحی ماهشهر در آبان ۹۸ را در مهاباد و سنندج و پیرانشهر و جوانرود بازسازی کرده است و شهروندان عادی و معترض را به گلوله بسته است. رژیم اسلامی با لشکرکشی به کردستان به بهانه "مبارزه با تجزیه طلبان" حکومت نظامی برپا کرده است. ما میگوئیم باید قاطعانه این سیاست جمهوری اسلامی را بشکست بکشانیم. راه به شکست کشاندن این سیاست ارتجاعی و سرکوبگرانه، تقویت همبستگی و اتحاد انقلابی ای است که در سراسر کشور ایجاد شده و راه را بر هر سوء استفاده محدود بینانه و ناسیونالیستی و قومی و مذهبی بسته است. مردم کردستان هوشیارانه بر اتحاد و همسرنوشتی با جنبش انقلابی سراسری تاکید کرده اند.

فراخوان ما به کمیتهها، حلقه ها و شبکههای سازماندهنده اعتراضات خیابانی در سراسر جامعه، به زنان و مردان آزادیخواه در سراسر کشور، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، کارگران و مردم زحمتکش این است که در تداوم مبارزه انقلابی برای سرنگونی حکومت جنایتکار اسلامی، قویاً در حمایت از مبارزان انقلابی در کردستان به میدان بیایم و نیروی اتحاد و همبستگی را تقویت کنیم.

جنایت و قتل عام رژیم در کردستان را محکوم و علیه فاصله انداختن و تقابل های کاذب بین بخش های مختلف مردم بایستیم و بر اتحاد و هم سرنوشتی و آزادی و برابری همگان تاکید کنیم. ضروری است اشکال مختلف مبارزه انقلابی، از اعتراض خیابانی تا اعتصاب عمومی را ترکیب کنیم و نیروی بیشتری همیدان بیآوریم. اعتصاب در مدارس و دانشگاه ها و ادارات، اعتصاب در بازار و پاساژها، اعتصاب رانندگان بی آر تی و خطوط حمل و نقل، اعتصاب در شهرک های کارگری و کارخانجات، اعتراض انقلابی در خیابان و پس راندن حکومت را در مقیاس گسترده تر به هم پیوند بزنیم. در ده روز گذشته بیشتر شهرهای کردستان و بیش از هشت شهر ایران عملاً و عمدتاً در اعتصاب عمومی و نبرد خیابانی بودند و هم اکنون این وضعیت ادامه دارد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از مردم مبارز و زنان و مردان آزادیخواه در سراسر ایران می خواهد که همه جا یکپارچه و یکصدا علیه جنایتکاران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، در حمایت از مبارزات انقلابی مردم کردستان همیدان بیاییم. هرگوشه ایران سنگر مبارزه انقلابی است. کردستان از سنگرهای پیشرو انقلاب است، سنگرهایمان را حفظ کنیم! نگذاریم رژیم جنایتکار اسلامی با توسل به حربه مقابله با تجزیه طلبی سرنوشت جنبش انقلابی در کردستان را از جنبش سراسری جدا کند و با به خون کشیدن آن زمینه را برای سرکوب جنبش سراسری فراهم آورد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروی چپ و کمونیست

۲ آذر ۱۴۰۱ - ۲۳ نوامبر ۲۰۲۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

کار کمونیستی

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در الویت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل ادرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

**تماس با سازمان اتحاد
فدایان کمونیست**

.....
روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

بمناسبت هفتاد و هفتمین سالگرد بخون کشیده شدن جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان

هفتاد و هفت سال از به خاک و خون کشیده شدن جنبش انقلابی دموکراتیک آذربایجان توسط رژیم سرکوبگر شاه در همدستی با امپریالیسم آمریکا و انگلیس سپری می شود. جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان آذربایجان بدلیل اصالت تاریخی و اهداف دموکراتیک و برابری طلبانه اش و نیز بواسطه اقدامات انقلابی که در یک سال استقرارش به انجام آنها موفق شد هنوز الهام بخش مبارزات توده های زحمتکش مردم برای خلاصی از ستم و استثمار و زور و سرکوب نظام ضد مردمی حاکم می باشد.

جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان در طی یک سال حیات پرتب و تاب خود پیشگام تحولات مهمی بود که هنوز بعد از گذشت هفتاد و هفت سال از آن تاریخ، مبارزه برای تحقق بسیاری از آن دستاوردها آماج مبارزات روزمره توده زحمتکشان در سراسر ایران است.

در حکومت دموکراتیک و انقلابی آذربایجان برای اولین بار در ایران و منطقه برابری زن و مرد و انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان برسمیت شناخته شد، آزادی های سیاسی و حقوق مدنی، حق تشکل و حزب، آزادی مطبوعات و تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها و شوراهای محل کار و زیست، اصلاحات ارضی به نفع زحمتکشان روستاها، تاسیس نهادهائی نظیر مدارس مدرن، دانشگاه ها بسط دامنه هنر و ادبیات و موسیقی و تاسیس ایستگاه رادیویی . اقدامات عمرانی در شهرها و روستاها برسمیت شناختن حقوق برابر اقلیت های اتینیکی ساکن آذربایجان، همبستگی و اتحاد با جنبش دموکراتیک کردستان و سایر مناطق ایران و زدودن آثار سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن" طبقات ارتجاعی حاکم میان زحمتکشان ملیت های مختلف و مذاهب گوناگون . تامین بیمه های اجتماعی و ایجاد امکانات رفاهی و تفریحی و محدود کردن کار به هشت ساعت در روز تصویب قانون کار، تعطیلات آخر هفته و اصلاحات دموکراتیک و انقلابی دیگر که به نفع زحمتکشان انجام گرفت. اقداماتی که حکومت استبدادی وقت و بلوک امپریالیستی آمریکا و انگلیس آنها را برناتافتند به همراهی فئودالها و خانها و صاحبان قدرت و ثروت و آیت الله های مرتج در سراسر ایران به آذربایجان هجوم آوردند و با قتل و کشتار و اعدام و سلاخی توده های زحمتکش مردم جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان را بخون کشیدند و اندکی بعد جمهوری کردستان را خفه کرده و از آن پس توانستند سیاست سرکوب و خفقان را در سرتاسر کشور اعمال کنند. اما هرگز نتوانستند آرمان های آزادی خواهانه و برابری طلبانه این جنبش را نابود و ازحافظه تاریخی توده های مردم زحمتکش پاک کنند.

جنبش دموکراتیک و انقلابی آذربایجان درس های گران بهائی از خود برجای گذاشته است که بانگاهی انتقادی به نقاط قوت و ضعف آن می تواند چراغی فراراه توده های زحمتکش خلق های تحت ستم و استثمار آذربایجان و سراسر ایران در مبارزات جاری علیه حکومت جهل و جنایت اسلامی باشد.

کار مسکن آزادی ، جمهوری فدراتیو شورائی!